

بررسی تحلیلی اندرزنامه‌های سیاسی

ابوالفضل کاوندی کاتب*^۱، محمدرضا حافظ‌نیا^۲، حاتم قادری^۳، غلامحسین

غلامحسین زاده^۴

1. دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
2. استادتمام جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
3. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
4. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

دریافت: 1397/3/23 پذیرش 1398/4/24

چکیده

اندرزنامه‌های سیاسی مرحله‌ای مهم از توسعه اندیشه سیاسی و ارائه کارویژه‌های سنتی دستگاه حکومت در جهان هستند که قرن‌ها نگارش آن‌ها تداوم یافت. ریشه پیدایش اندرزنامه‌های سیاسی وجود شکل سنتی حکومت، یعنی حکومت‌های استبدادی و خودکامه، بود؛ لذا با شکل‌گیری کشورهای مدرن در جهان، تاریخ استفاده از این سبک نگارشی نیز پایان یافت. اندرزنامه‌های سیاسی متونی در زمینه آیین‌های عملیاتی کشورداری و روش‌های مطلوب اداره حکومت هستند. در ایران و جهان اسلام، این سنت ادبی از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود. تاکنون مقالات و کتاب‌های زیادی در ارتباط با این سنت ادبی به‌ویژه از دیدگاه اندیشه سیاسی به‌نگارش درآمده است؛ اما در این مقاله کوشش می‌شود به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی تحلیلی این منابع و نیز فلسفه پیدایش و توسعه، ماهیت، اهداف، ویژگی‌ها و کارکردهای اندرزنامه‌های سیاسی پرداخته شود. همچنین نشان داده می‌شود که مهم‌ترین کارویژه اندرزنامه‌های سیاسی ارائه طرح‌های عملیاتی کشورداری به حکومت‌ها بوده است.

واژه‌های کلیدی: اندرزنامه‌های سیاسی، حکومت، اندیشه سیاسی و کشورداری.



1. مقدمه

اندرزنانه‌های سیاسی سنتی ارزشمند درباره‌ی روند تکامل حکومت در سده‌های میانی است (Chopin, 1999: 87) که هم در اروپا و هم در جهان اسلام شکوفا شد (Dakhliya, 2002: 1203). در هر دو سنت، این شیوه در قرن‌های هشتم و نهم میلادی ظهور و در قرن یازدهم و سیزدهم توسعه یافت (Black, 2011: 114). اندرزنانه‌ها در اروپا تا دوره‌ی رنسانس و در جهان اسلام تا قرن نوزدهم ادامه یافت (Blaydes et al., 2013: 3)؛ اما محتوای آن‌ها بسط نیافت (Dakhliya, 2002: 1194). انبوهی از اندرزنانه‌های سیاسی در ایران و جهان به یادگار مانده است. شناخت اهداف، کارکردها، فلسفه، ماهیت و ویژگی‌های اندرزنانه‌ها نشان می‌دهد این متون الزامی اساسی برای حکومت‌های سنتی بوده که با روندی مشخص تا ظهور حکومت مدرن ادامه یافتند. نیاز اساسی حکومت و مردم برای بیان خواست‌های خود در قالب یک زبان همه‌فهم و دوسویه و استقبال کم‌نظیر از آن، سبب توسعه‌ی این سنت کهن شد.

فراوانی تعداد اندرزنانه‌ها باعث افزایش پرسش‌ها و مسئله‌ها از اهداف و تعاریف دقیق آن‌ها شده است (Marlow, 2009: 524). در اندرزنانه‌های اروپایی، بیشتر بحث از اندیشه‌ی سیاسی است؛ اما برخی مطالعات اندرزنانه‌ها را در رده‌ی آموزشی، توسعه‌ی ادبی و عرصه‌ی فرهنگی قلمداد می‌کنند. در برابر، اندیشمندان حوزه‌ی مطالعات خاورمیانه اندرزنانه‌ها را در وهله‌ی نخست پدیده‌ای فرهنگی و نه منبع اطلاعات سیاسی، آموزشی و... در نظر می‌گیرند. همچنین اندرزنانه‌ها منبع پژوهش مهمی در اندیشه‌ی سیاسی خاورمیانه هستند و بیشتر به‌عنوان یک سلاح در درگیری‌های سیاسی مورد توجه قرار گرفته‌اند (Darling, 2013: 224). تاکنون مقالات و کتاب‌های زیادی درباره‌ی سنت ادبی اندرزنانه‌نویسی سیاسی به‌نگارش درآمده است. در مقاله‌ی حاضر تلاش می‌شود تا ابعاد فلسفی، ماهیتی، کارکردها، اهداف و ویژگی‌های اندرزنانه‌های سیاسی با نگاهی عملیاتی به موضوع بررسی شود؛ چراکه اعتقاد نگارندگان بر این است که برجسته‌ترین نقش اندرزنانه‌های سیاسی، ارائه‌ی طرح‌های عملیاتی به حکومت‌هاست و همین مسئله سبب توسعه‌ی مشترک جهانی و کهن اندرزنانه‌ها در میان بسیاری از فرهنگ‌ها، به‌ویژه در ایران و اسلام، شده است.

2. مبانی نظری

2-1. اندرز و اندرزنامه‌نویسی سیاسی

اندرز بیشتر به سخنانی اخلاقی و دینی اطلاق می‌شود که از سوی شخص برجسته‌ای نظیر پادشاه، روحانی بلندمرتبه و بزرگان جامعه خطاب به فرزند، ندیمان و مردم جهان و در هدایت پیروان بیان شود (تکمیل‌همایون، 1383: 43، 11: Shaked & Safa). اندرز بیشتر به صورت وصیت‌نامه نوشته می‌شد؛ مانند اندرز پدر به فرزندش و یا فردی سال‌خورده به اعضای نسل بعد (Crone, 2004: 149) و اصولاً نوعی رهنمود برای تحقق هدفی خاص است (قادری، 1391: 117). اندرز به سبب درون‌مایه آموزشی خود که حاصل تجربه و نگاه به گذشته است، آینده‌نگر است و اغلب طیف وسیعی از موضوعات را دربرمی‌گیرد: اندرزنامه‌هایی که در حوزه اخلاق، رفتار و آداب مردمی است و اصطلاحاً می‌توان آن‌ها را اندرزنامه‌های عمومی، مردمی یا اجتماعی نامید؛ اندرزنامه‌های سیاسی که حاکم و دستگاه سیاسی را خطاب قرار می‌دهند؛ و گاه اندرزنامه‌های چندمنظوره.

عناوین گوناگونی برای اندرزنامه‌ها در منابع مختلف ایرانی - اسلامی آمده است. اندرزنامه و پندنامه (به فارسی)، نصیحت‌الملوک، ادب‌الملوک، التاج فی اخبار الملوک، اخلاق السلطنه، میزان الملوک، سیرالملوک و آداب الملوک (به عربی)، سیاست‌نامه، شریعت‌نامه و نصیحت‌نامه (فارسی - عربی) از آن جمله است. عناوین عربی و فارسی - عربی در منابع اسلامی شناخته‌شده‌تر هستند؛ چراکه در عنوان کتاب‌ها قرار گرفته و نشان از تنوع منابع در این حوزه هستند. عنوان اندرزنامه سیاسی، در پژوهش‌های نوین، به‌تازگی در برابر عناوین کلی اندرزنامه‌هایی با محتوای سیاسی قرار گرفته است. در امپراتوری عثمانی، بیشتر از عنوان «نصیحت‌نامه» استفاده شده است. متخصصان مطالعات خاورمیانه این آثار را پند به پادشاهان¹ و ادبیات اندرزی² نامیده‌اند (Jónsson, 2006: 157) که برپایه عنوان نصیحت‌الملوک مشهور امام محمد غزالی و اندرزنامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی است؛ نامی که بر کاربردی بودن آن‌ها تأکید دارد؛ درحالی که اندیشمندان اندرزنامه‌های اروپا را در رده اندیشه‌های سیاسی تقسیم‌بندی می‌کنند (Darling, 2013: 225).

در منابع لاتین نیز، عناوین گوناگونی به اندرزنامه‌ها داده‌اند (Jónsson, 2006: 156). در غرب لاتین این متون که باید تصویر ایدئال پادشاه را ارائه دهند، با واژه عام *speculum*



(به معنای آینه) همراه‌اند که در اسلام از مفهوم «توصیه‌های داده‌شده به پادشاه»³ (نصیحت‌الملوک) استفاده می‌شود. ایده هر دو ارائه دستوره‌های اخلاقی است (Aigle, 2007: 18). نام این سبک نگارش (speculum) از تاریخ اروپای قرون وسطی گرفته شده است که در آن، اندرز به مثابه آینه‌ای بود که در آن پادشاه به خودش نگاهی می‌افکند و تلاش می‌کرد تا ظواهرش را بهبود بخشد (Crone, 2004: 149). در انگلیسی از این گونه آثار به *advice literature* و *mirror for princes*؛ در فرانسه *des conseils littérature* و *les miroirs des princes* و در آلمانی *fürstenspiegel* یاد می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که اندرزنامه‌ها به فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون راه یافته و در آنجا نیز شناخته شده است (Leder, 1999: 120). در ترجمه‌های اخیر از منابع لاتین، مترجمان معادل عربی «مرآت‌الامراء» و معادل فارسی «آینه شاهان» را قرار داده‌اند که در عنوان منابع ایرانی - اسلامی مشاهده نشده؛ لذا اصلاحات نام‌نوسی هستند.

اندرزنامه‌ها یک مرحله واسطه در توسعه اندیشه سیاسی اسلام هستند که در نهایت در نظریه‌های سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌خلدون به تکامل می‌رسند (Yavari, 2008: 48). خوانندگان مدرن گاه از محبوبیت این سبک نگارش‌ها در شگفت‌اند. اگرچه برخی از آن‌ها (به‌ویژه اندرزنامه‌های فارسی) شاهکارند، بسیاری از اندرزنامه‌ها ضعیف و کلیشه‌ای هستند. آن‌ها معمولاً حاکمان را به پارسایی و یادآوری روز داوری اندرز می‌کنند. هدف اصلی آن تأمل پادشاه و یا دیگر خوانندگان در خود است. اما بعید است که بتوانند بر دولت تأثیر بگذارند (Crone, 2004: 150). اندرزنامه‌ها ارزش بسیار ناچیزی برای نظریه حکومت دارند (روزنتال، 1388: 61)؛ اما مهارت‌های اجتماعی، مدیریت شخصی، هنر مذاکره و چگونگی رودرویی با گروه‌های مختلف مردم را می‌آموزانند و اغلب گفتمانی از دوستی و آشتی، فرهنگ معاشرت و آیین‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرند (Black, 2011: 114). اندرزنامه‌ها آینه تمام‌نمایی از واقعیت زندگی سیاسی هستند که در آن‌ها قانون، به‌عنوان سیستم ارتباطی مدون، نقش چندانی ندارد. اندرزنامه‌ها به دنبال گسترش گنجینه دانسته‌های حاکمان (Leder, 1999: 147) و به‌منزله یک سبک متنوع ادبی عمل می‌کنند (Leder, 2015: 94). حاکم با پذیرش سخاوتمندانه چنین اثری، تعهد و شایستگی‌های شخصی خود را بازتاب می‌داد (Blaydes et al., 2013: 4).

اندرزنامه‌نویسی سیاسی پدیده‌ای مختص ایران و جهان اسلام نیست؛ بلکه سنتی مشترک و کهن میان بسیاری از فرهنگ‌هاست. آفرینش اندرزنامه‌ها در دوره ساسانی روی داد (Luce, 1916: 2010). این سنت با قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص)، سنت، احادیث، شرح‌حال انبیا و بزرگان، مسائل فقهی و الهیات، روش‌ها و اصول اسلامی، قانون دولت‌ها، مشاوره‌های سیاسی مورد علاقه مسلمانان و داستان کهن پادشاهان پیش از اسلام ایران به هم آمیخت. متمرکز کردن قدرت در سرزمین‌های مرکزی مسلمانان در اواسط قرن یازدهم تا ظهور مغول، عثمانی و امپراتوری صفوی در قرن شانزدهم که در آن هنگام پروژه امپراتوری بازسازی شد، ادامه یافت (Ohlander, 2009: 240). اندرزنامه‌های سیاسی در قرن‌های هشتم و نهم میلادی ظهور و در قرن یازدهم و سیزدهم میلادی توسعه یافت؛ دقیقاً زمانی که شکاف میان حکام اروپایی و مسلمان در حال ظهور بود (Blaydes & Chaney, 2013: 16). سنت خاورمیانه‌ای و اروپایی اندرزنامه‌ها سرچشمه مشترک و باستانی دارند؛ اندرزنامه‌های بابلی، هندی، ایرانی (بسیاری از شاهنامه‌ها و خدای‌نامه‌ها)، یونانی، رومی و بیزانسی (Darling, 2013: 227). اندرزنامه‌ها در اروپا تا دوره رنسانس و در جهان اسلام تا قرن نوزدهم میلادی ادامه یافت (Blaydes et al., 2013: 3)؛ اما محتوای آن‌ها توسعه نیافت (Dakhliia, 2002: 1194). مشهورترین اندرزنامه‌های سیاسی سیاست‌نامه از خواجه نظام‌الملک طوسی و دیگری شهریار اثر ماکیاولی است.

در مجموع اندرزنامه‌نویسان حکومت و مناسبات سیاسی را می‌شناسند و آنچه را که می‌تواند در روند ارتباط حکومت و مردم و همچنین بازتاب ایده‌ها، آرزوها، خواسته‌ها و برداشت‌های مردم در بهبود اوضاع کشور مؤثر باشد، با بیانی نرم و لطیف و البته در اشکال گوناگون نظم و نثر و خطاب به حاکم، حال از دید خود و یا از دید جامعه، ارائه می‌دهند. به عبارت دیگر، اندرزنامه‌ها «آرزوها، خواسته‌ها، اهداف، ایده‌ها و امیال نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه در برخورد با حکومت و کشور است». اندرزنامه‌ها دارای ماهیت پوزیتیویستی و واقع‌گرایانه هستند؛ یعنی حاصل تجربیات گوناگونی هستند که بارها تکرار شده و به صورت قانونی طبیعی درآمده‌اند، اما ضمانت اجرا ندارند. بنابراین تفاوت اندرزها با صورت‌های قانونی امروزی و دین در همین اجباری نبودن است که عمل نکردن بدان مجازات



و عقوبت درپی ندارد؛ بلکه عمل به آن‌ها از آنجا که تکرار واقعیت‌های زندگی انسانی است، می‌تواند برای رسیدن به جامعه آرمانی مطلوب مورد نظر نویسندگان راهگشا باشد.

2-2. تجارب تحقیقاتی

اندرزنامه‌های سیاسی بیشتر از جنبه مطالعات سیاسی، فلسفی، ادبی و تاریخی بررسی شده‌اند. استفان لدر⁴ در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به نصیحت‌نامه‌های عربی و فارسی» که به زبان آلمانی منتشر شده، مشروعیت، اخلاق امر و حکمت سیاسی را در اندرزنامه‌های اسلامی - ایرانی بررسی کرده است. دنیس ایگل⁵ در مقاله‌ای به زبان فرانسه با عنوان «مفهوم قدرت در اسلام: پندنامه‌های اخلاق حکومتی ایرانی و نظریه‌های اهل سنت (از قرن 11 تا 14 میلادی)»، پس از بیان برخی ویژگی‌های ادبیات اندرزی در دوره ساسانی و تأثیر قابل توجه آن‌ها، برخی از پندنامه‌های اخلاقی را معرفی می‌کند که در قرون وسطی در ایران نگاشته شده‌اند و به‌عنوان شاخص‌های این جریان فکری شناخته می‌شوند.

آن‌کی اس لمبتون⁶ مقالات و کتاب‌های زیادی در مورد اندرزنامه‌های سیاسی نوشته و بیشتر از دید اندیشه سیاسی و نظریه حکومت در اسلام به آن‌ها پرداخته است. شارل هانری دو فوشه کور⁷ مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی را از قرن نهم تا سیزدهم میلادی بررسی کرده است. کتاب او از مسئله اندرزنامه‌های سیاسی فراتر می‌رود و بیشتر در حوزه ادبیات اخلاقی است. لوئیس مارلو⁸ با مقالات متعدد، گذشته از اندرزنامه‌های سیاسی در ایران در چارچوبی بسیار متفاوت دیگر اندرزنامه‌ها را نیز مطالعه کرده است. ماریا سابتلی⁹ نیز در چشم‌اندازی متفاوت، علاقه خود به این نوع ادبیات را نمایانده و ارتباطات با مبانی ارضی جامعه ایرانی در دوره‌های تیموری و صفوی را نشان داده است.

2-2-1. میثمی با شناسایی فن خطابه در اندرزنامه‌ها

مطالعات کارول هلینبرند¹⁰ درباره برخی آثار عربی و فارسی غزالی، شناسایی کاربرد فن خطابه در اندرزنامه‌ها و مطالعه تطبیقی آن توسط میثمی¹¹ و مشاهده عزیزالعظمه¹² از رشد و نفوذ بیشتر اندرزنامه‌ها به طوری است که موضوع و ژانر آن‌ها به پند و موعظه محدود می‌شود و به نقش علما در ترکیب آثار اندرزی توجه کرده‌اند. داگلاس هاوارد¹³ در مطالعات خود در زمینه

نصیحت‌نامه‌های عثمانی، بر نقش این نوع در پیش‌برد طرح سلسله عثمانی تأکید کرده است. لیندا دارلینگ،¹⁴ استاد علوم سیاسی دانشگاه آریزونا ایمریکا، در مقاله‌ای که در سال 2013م نوشته است، نگاهی جهانی به اندرزنامه‌ها دارد.

سعید امیر ارجمند به فهم گسترده ایده‌های سیاسی و آمیختگی پیچیده آن با حساسیت‌های فرهنگی در اندرزنامه‌ها پرداخته است. آثار نویسندگانی همچون پاتریسیا کرون¹⁵ و آنتونی بلک¹⁶ هم اندرزنامه‌ها را در چارچوب مطالعات تاریخی اندیشه سیاسی قرار می‌دهند. اما کامل‌ترین مطالعات اندرزنامه‌ها به منابع آلمانی اختصاص دارد؛ از جمله ریشر¹⁷ (1932) که خلاصه‌ای مفید از این ژانر را با مراجعه خاص به نصیحت‌الملوک امام محمد غزالی ارائه داده است. مطالعات باگلی¹⁸ (1964)، پیر هادوت¹⁹ که اندرزنامه‌های سیاسی مصر باستان، بین‌النهرین، یونان، روم عتیق، بیزانس و غرب لاتین را شامل می‌شود و استفان لدر (1999) که پیش‌تر اشاره شد، از آن جمله است.

در منابع فارسی نیز پژوهش‌هایی درباره اندرزنامه‌ها صورت گرفته است. احمد تفضلی به معرفی اندرزنامه‌های پهلوی ایران و ارائه تفاسیری ادبی از آن‌ها پرداخته است. حاتم قادری، سیدجواد طباطبایی و داوود فیرحی اندرزنامه‌های سیاسی را با تم اندیشه سیاسی مطالعه کرده‌اند. در این زمینه، پژوهش‌های دانشگاهی در قالب رساله و پایان‌نامه هم انجام شده است. *ابن مقفع و نقش او در انتقال و استمرار اندرزنامه‌های سیاسی از ایران باستان به دوران اسلامی* عنوان پایان‌نامه حسن کاظمی است که به ابن مقفع، جریان‌ساز اندرزنامه‌نویسی پس از اسلام، اختصاص دارد. *آسیب‌شناسی سیاسی از دیدگاه برجسته‌ترین اندرزنامه‌نویسان عهد ترک و مغول در ایران، خواجه نظام‌الملک، امام محمد غزالی و باباافضل کاشانی* نوشته مراد حدادیان به آسیب‌شناسی سیاسی در قرن‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم هجری قمری پرداخته که انعکاس آن‌ها در اندرزنامه‌ها رخ نموده است. محمدعلی قاسمی نیز در رساله خود به مطالعه تطبیقی *نامه تنسر و سیاست‌نامه* از دیدگاه اعتماد سیاسی و انسان‌شناسی پرداخته است.

2-3. فلسفه پیدایش و توسعه اندرزنامه‌ها

اندرزنامه‌ها صورت ساده اندیشه‌های سیاسی، به دور از مفاهیم بسیار سخت فلسفه، الهیات سیاسی، حقوق و یا متون عملی سیاسی به صورت مستقیم هستند (Genet, 2003: 531 - 541).



این سبک از نگارش تا زمان ایجاد کشورهای مدرن در جهان، یعنی تا قرن هفدهم در اروپا و تا قرن نوزدهم در خاورمیانه، ادامه یافت. از این پس دیگر حفظ قدرت برای یک نفر که با نظرات شخصی‌اش به امور کشور رسیدگی کند، بی‌معنا بود و روش‌های تازه‌ای برای حفظ و یا به‌دست آوردن قدرت در آینده ایجاد شد (Darling, 2013: 240). در واقع در همهٔ مناطقی که تحت سلطهٔ حکومت استبدادی بودند، ردپای اندرنامه‌نویسی یافت می‌شود (Aigle, 2007: 17). بنابراین ریشهٔ پیدایش اندرنامه‌های سیاسی وجود شکل سنتی حکومت، یعنی حکومت‌های خودکامه در جهان است که بدون داشتن قوانین مشخص و مدون (Leder, 1999: 147) و تنها براساس منویات شخصی پادشاه اداره می‌شدند. در اندرنامه‌ها، سلسله‌اموری نگاشته شده که اگر پادشاه می‌خواهد در قدرت باقی بماند، باید به آن‌ها عمل کند (ÓTuathail et al., 2003: 8). پیدایش، رشد و توسعهٔ اندرنامه‌ها تحت تأثیر این مسئله و به‌منظور اظهار نظر و تنظیم قوانین و آیین‌های کشورداری و روش‌های مطلوب ادارهٔ حکومت تابع دو علت مهم زیر است:

1. نیاز طبیعی حکومت و دستگاه سیاسی به مشروعیت و خط‌مشی‌های روشن سیاسی به‌صورت راهنمایی، مشاوره و آموزش برای ادارهٔ بهتر کشور، تدوین مقررات، ساختارسازی منسجم، حفظ و تمرکز قدرت، بقای حکومت، ایجاد ثبات، ترسیم حاکم ایدئال از پادشاهان خودکامه، رقابت با کشورها و قدرت‌ها و دیگر اهداف مورد نظر؛
 2. خواست مردم برای توسعهٔ عقلایی کشور، برقراری امنیت و عدالت، زندگی انسانی و مطلوب، روابط حسنهٔ حکومت با مردم، تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی حاکم، بیان دغدغه‌ها، اصلاح وضع موجود و رسیدن به ایده‌ها و اهدافی همچون رفاه و آسایش.
- اندرنامه‌ها مخاطبان بیشتری حداقل در ایران و اسلام داشت. دلیل این مهم طرح عملیاتی موضوع و راه‌های رسیدن به حکومت مطلوب از طریق توصیه به امرا براساس تجربه‌گرایی است. صورت مهم دیگر توسعهٔ اندرنامه‌ها، توجه به دانش است (Aigle, 2007: 26). این دانش و خردمندی به‌سبب لزوم تدبیر زندگی سیاسی و اداری احساس می‌شد. اندرزه‌ها نیز صورتی از دانش در ادبیات تعلیمی به‌شمار می‌آیند که حاصل تجربه و اندیشهٔ نخبگان جامعه هستند و یک مجرای مهم دکترین مذهبی برای رسیدن به قدرت بودند (Black, 2011: 113). اندرنامه‌ها به‌دنبال کشف حقیقت رفتار درست در سیاست هستند که اجرای

آن‌ها می‌تواند از نظر نویسندگان، حکومت را با آسیب کمتری مواجه سازد و از نظر حکام، تصویر مطلوب و مشروعی از آن‌ها در اذهان ترسیم کند. به هر روی، اندرز دادن حاکم ممکن بود خوب باشد؛ اما برای ساختن کشوری قدرتمند کافی نبود.

2-4. ماهیت اندرزنامه‌ها

1. ماهیت اخلاقی و تعلیمی: اندرزنامه‌ها به‌طور کلی نخست دارای ماهیت اخلاقی و تعلیمی هستند (تفضلی، 1386: 9؛ فوشه‌کور، 1377: 3؛ ریپیکا، 1383: 99؛ Bosworth, 1970: 25؛ اخلاق و قدرت می‌دانند؛ به‌ویژه هنگامی که رقابت رهبران برای رسیدن به قدرت با تکیه بر قدرت نظامی و اتحادهای سیاسی باشد (Leder, 2015: 104).

2. ماهیت سیاسی: مهم‌ترین سرشت اندرزنامه‌های سیاسی است؛ چراکه اندرزنامه‌ها در زمینه‌هایی همچون فلسفه و اندیشه سیاسی، قدرت سیاسی، ترسیم الگوی حکومت و پادشاه ایدئال، ارائه قواعد و آیین‌های کشورداری، ساختارسازی، روش‌های مطلوب اداره حکومت و کشور، مشروعیت‌بخشی به حکومت و دستگاه سیاسی، تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی، چگونگی مناسبات حکومت به‌ویژه با مردم، بیان دغدغه‌های سیاسی و حفظ یا اصلاح وضع سیاسی موجود دارای نظر هستند. همچنین حکومت و حاکم مخاطب اصلی و در کانون مباحث اندرزنامه‌هاست.

3. ماهیت اجتماعی: هرچند حاکمان مخاطبان اصلی اندرزنامه‌های سیاسی هستند، در واقع روی صحبت اندرزنامه‌ها روابط حاکم با مردم و نحوه اداره جامعه و چگونگی رهبری مردم است. اندرزنامه‌ها چگونگی رودرویی با گروه‌های مختلف مردم را آموزش می‌دهند و اغلب گفتمانی از دوستی و آشتی، فرهنگ معاشرت و آیین‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرند (Black, 2011: 114). اندرزنامه‌نویسان نیز آنچه را که در روند ارتباط حکومت و مردم همچنین بازتاب ایده‌ها، آرزوها، خواست‌ها و برداشت‌های مردم در بهبود اوضاع کشور مؤثر باشد، بیان می‌کنند. بنابراین اندرزنامه‌نویسی تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی و چگونگی مناسبات حکومت به‌ویژه با مردم، جلب وفاداری آن‌ها، مردم‌داری، عدالت، رفاه مردم و آبادانی این جهانی است (Blaydes et al., 2013: 4).



4. **ماهیت دینی:** سرشت دینی اندرزنامه‌ها سبب شده است تا برخی اندرزنامه‌نویسان، به‌ویژه مسلمانان همچون غزالی، بیان کنند که حاکم بیش از آنکه در برابر مردم مسئول باشد، باید در مقابل خداوند پاسخ‌گو باشد (Leder, 1999: 133). در واقع زمینه‌ها و انگیزه‌های دینی در تقویت خواست پیدایش و تداوم اندرزنامه‌ها تأثیر انکارناپذیری داشت (Dakhliya, 2002: 1193).

5. **ماهیت فرهنگی:** اندیشمندان حوزه مطالعات خاورمیانه اندرزنامه‌ها را در وهله نخست پدیده‌ای فرهنگی در نظر می‌گیرند (Darling, 2013: 224). در واقع حفظ و توسعه سنت فرهنگی از کارویژه‌های اندرزنامه‌های سیاسی بود (Genet, 2003: 531 - 541). همین نگاه فرهنگی به اندرزنامه‌ها سبب توسعه و انتقال مفاهیم سیاسی به صورت نرم از دوره باستانی ایران به دوره اسلامی و بعدها پایداری سنت فرهنگی ایرانی - اسلامی در مواجهه با ترکان و مغولان شد.

6. **ماهیت ادبی:** سرشت ادبی اندرزنامه‌ها سبب استقبال حکومت و مردم از اندرزنامه‌ها شده است. در واقع رعایت آداب ادبی (Leder, 1999: 122) و مصلحت‌گرایی نویسندگان (Ferster, 1996: 8) برای ارائه به پادشاه خودکامه، توجه حکومت‌ها و نیز توسعه اندرزنامه‌ها را در پی داشته است؛ لذا نویسندگان این آثار بیشتر از میان علما، ادیبان و کارگزاران حکومتی ادیب بودند.

7. **ماهیت تجربی و عملیاتی:** اندرزنامه‌ها حاصل تجربه و نگاه به گذشته است. در این درون‌مایه فرض بر این است که اوضاع و احوال تکرار می‌شود (فوشه‌کور، 1377: 12 - 18) و به صورت قانونی طبیعی درمی‌آید؛ لذا اندرزنامه‌ها ماهیت تجربی می‌یابند (رجایی، 1372: 17؛ مقدم، 1393: 31؛ Fodor, 1986: 219؛ Ohlander, 2009: 239). این تجربی بودن برای عملیاتی و کاربردی کردن اندرزنامه‌هاست که از نظر نویسندگان و مخاطبان دارای اهمیت است (لمبتون، 1374: 24؛ Rosenthal, 1962: 62؛ Genet, 2003: 531 - 541؛ Bosworth, 1970: 25).

2-5. کارکردها و نتایج عملکردی اندرزنامه‌های سیاسی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین نتایج عملی و کارکردهای اندرزنامه‌ها به این شرح است:

1. استقبال حکومت‌ها از اندرزنامه‌های سیاسی و برقراری پیوند میان نخبگان سیاسی، مذهبی، ادبی، فرهنگی و اجتماعی جامعه با دستگاه سیاسی؛
2. توسعه فرهنگی و ادبی و اشتراک جهانی این سنت؛ به عبارتی زبان مشترک جهانی و تاریخی اندرزنامه‌ها بیش از تفاوت‌های میان آن‌هاست و به گونه‌ای ویژه این سنت را تداوم داده است؛
3. توسعه و بیان نرم نظریه‌ها و اندیشه‌های متعدد سیاسی در اندرزنامه‌ها به‌خصوص در دوره‌های بحرانی سیاسی و ایدئولوژیک و گاه تقابل آن‌ها با یکدیگر؛ می‌توان این روند را در اندرزنامه‌ها پیگیری کرد؛
4. چندگانه‌گرایی به‌لحاظ فرهنگی و تلفیق نمادها، افسانه‌ها، داستان‌ها و... در اندرزنامه‌ها و نیز استفاده از سرچشمه‌ها و منابع مشترک و متعدد؛ برای نمونه در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک، هم‌زمان از منابع ایرانی، اسلامی، یونانی، رومی، ترکی و حتی عبری استفاده شده است؛
5. مشروعیت‌بخشی به حکومت‌های استبدادی، حاکم‌محوری در اندرزنامه‌ها و تثبیت موقعیت حاکم؛
6. کارکرد آموزشی اندرزنامه‌ها، به‌ویژه برای حکام قدرتمند؛
7. کارکرد رسانه‌ای اندرزنامه‌ها و بیان دیدگاه‌ها و آیین‌های کشورداری مورد نظر حکومت به مردم؛
8. هضم نیروهای مهاجم و بیگانه به‌ویژه در ایران و خاورمیانه و تقویت روحیه یک‌پارچگی، خواه ملی و خواه دینی؛ در واقع تقویت احساس وابستگی به گردهمایی و واقع‌گرایی سیاسی برآمده از نوع وحدت (ملی، سرزمینی، دینی، استانی، پادشاهی و...) مورد نظر اندرزنامه‌نویسان؛
9. بیان دغدغه‌های سیاسی و حفظ یا اصلاح وضع سیاسی (ÓTuathail et al., 2003: 9)؛
10. رشد بوروکراسی و آداب تشریفات درباری با اینکه اندرزنامه‌ها تأکید بر مردم‌داری دارند؛
11. حفظ، تمرکز و تأکید بر قدرت سیاسی و تقویت این اندیشه در میان حکومت‌ها؛
12. تلاش برای اقناع مخاطبان و تقویت استفاده از حکمت و دانش عملی کشورداری؛
13. رشد و تقویت مصلحت‌گرایی و مصلحت‌اندیشی در جامعه؛



14. تقویت نیروها و انگیزه‌های دینی جامعه و آسمانی جلوه دادن حکومت؛
15. ایجاد تفکر برای اصلاح امور سلطنت و مملکت و نه حذف یا تغییر نظام سیاسی؛
16. تقویت اندیشهٔ تجربه‌گرا و تاریخ‌محور در جامعه.

2-6. اهداف اندرزنامه‌های سیاسی

1. راهنمایی، مشاوره و آموزش به‌ویژه با ماهیت سیاسی به حاکم و گاه کارگزاران حکومتی (شرفی، 1390: 97؛ مرسلپور و دیگران، 1391: 89؛ Jónsson, 2010: 1916; Luce, 2010: 155)؛ آموزشی که حاصل سنت و تجربه است.
2. حفظ قدرت سیاسی و تمرکز و تأکید بر آن (طباطبایی، 1388: 45؛ لمبتون، 1374: 172؛ فیرحی، 1389: 169؛ قادری، 1391: 118؛ Rosenthal, 1986: 219; Fodor, 1986: 219; Salinger, 1956: 24; 1962: 62).
3. ترسیم الگوی حکومت و پادشاه ایدئال و رسیدن به آن (قادری، 1391: 117؛ فوشه‌کور، 1377: 3؛ Aigle, 2007: 21; Leder, 2015: 94). گاه اندرزنامه‌نویسان در آثارشان یک حاکم آرمانی را هم معرفی می‌کنند تا صورت واقعی‌تری به حکومت آرمانی دهند؛ چنان‌که نظامی در *اسکندرنامه*، اسکندر مقدونی و فردوسی در *شاهنامه*، فریدون و انوشیروان را حاکمان آرمانی معرفی می‌کنند.
4. اندرزنامه‌ها در زمینهٔ ارائهٔ نظریه و تنظیم قواعد، قوانین، ساختار، مدیریت سیاسی و آیین‌های کشورداری و روش‌های مطلوب ادارهٔ حکومت هستند (فیرحی، 1389: 169؛ Blaydes et al., 2013: 5; Chopin, 1999: 88; Crone, 2004: 150). گاه هم برای پایبندی به آن‌ها نوشته می‌شدند.
5. مشروعیت‌بخشی به حکومت و دستگاه سیاسی (روزنتال، 1388: 4؛ Blaydes et al., 2013: 4; Ohlander, 2009: 241).
6. تأکید بر عدالت (فوشه‌کور، 1377: 3؛ طباطبایی، 1388: 100؛ - Fodor, 1986: 217 - 239; Aigle, 2007: 21).
7. حفظ و توسعه سنت فرهنگی، ادبی و زبانی (امانی‌چاکلی و منافی، 1394: 112؛ Genet, 2003: 531 - 541; Rosenthal, 1962: 3).

8. تأکید بر دین و گاه توأمان دانستن آن با سیاست (طباطبایی، 1388: 100؛ Blaydes et al., 2013: 2; Dakhliya, 2002: 1193).
9. تأکید بر مدارا و میانه‌روی (Ohlander, 2009: 240; Marlow, 2009: 527).
10. خردورزی و ایجاد تعادل میان واقعیت و ایدئال (فوشه‌کور، 1377: 2؛ Leder, 1999: 144).
11. توسعه و تکامل اندیشه سیاسی (طباطبایی، 1388: 45؛ 224؛ Yavari, Darling, 2013: 48; 2008).
12. حفظ سنت (ریبیکا، 1383: 112؛ اللهبیاری و دیگران، 1389: 16؛ Ohlander, 2009: 240).
13. تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی و چگونگی مناسبات حکومت به‌ویژه با مردم و وظایف هر یک (قادری، 1391: 121؛ 19؛ Aigle, 2007: 144؛ Leder, 1999: 144).
14. رسیدن به سعادت اخروی (مقدم، 1393: 30؛ قاسمی، 1386: 263).
15. بیان دغدغه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و... نویسندگان و دستگاه حاکم و ارائه راهکار برای حل مسائل به‌ویژه در زمینه آبادانی این جهانی و رفاه مادی (امانی‌چاکلی و منافی، 1394: 112؛ 5؛ Blaydes et al., 2013: 240; Ohlander, 2009: 240).
16. حفظ یا اصلاح وضع سیاسی (تاجیک‌نشاطیه، 1394: 101؛ ÓTuathail et al., 2003: 9).
17. اهداف شخصی اندرزنامه‌نویسان، مانند تحکیم و تقویت پیوند میان نویسنده و مخاطب اصلی و یا خوانندگان حرفه‌ای و کسب منفعت (4؛ Marlow, Blaydes et al., 2013: 527; 2009).
18. اندرزنامه‌ها معایبی را که باعث سلب صلاحیت حاکم می‌شوند، بازگو کرده‌اند (Aigle, 2007: 19; ÓTuathail et al., 2003: 9).

2-7. ویژگی‌های کلی اندرزنامه‌های سیاسی



1. تجربه‌گرا بودند (رجایی، 1372: 17؛ رستم‌وندی، 1388 : 447؛ Fodor, 1986: 219; Ohlander, 2009: 239).
2. عینیت داشتن و روشن بودن مفاهیم، به‌ویژه آنجا که سخن از امور مردم است (ÓTuathail et al., 2003: 9).
3. محتوا و مواد اندرزنامه‌ها استناد به آیات، احادیث، سخنان بزرگان، کتب مقدس، ضرب‌المثل‌ها، اشعار، روایات و داستان‌های تاریخی از چهره‌های خوش‌نام سیاسی و فرهنگی و گاه از خود نویسنده برای انتقال مفاهیم مورد نظر است (لمبتون، 1374: 23؛ شرفی، 1390: 102؛ Ferguson, 2010: 90). این یک روش نویسندگی و استراتژی ادبی است که نویسندگان برای جذاب‌تر شدن تأیید مطالب خود به‌کار گرفته‌اند (Jónsson, 2006: 158).
4. نویسندگان اندرزنامه‌ها بیشتر از میان خاندان‌های حاکم، نخبگان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و البته بیشتر از میان کارگزاران حکومتی ادیب هستند (Crone, 2004: 150; Blaydes et al., 2013: 4).
5. اندرزنامه‌ها به‌لحاظ سیاسی برای حکومت‌ها عملیاتی و کاربردی بودند (قاسمی، 1386: 263؛ فیرحی، 1378: 57؛ Genet, 2003: 531 - 541; Bosworth, 1970: 25; Darling, 2013: 237).
6. بر انتظام عملی و رعایت قواعد و آیین کشورداری، آداب و سلسله‌مراتب تأکید می‌کردند (رستم‌وندی، 1388 : 447؛ Aigle, 2007: 19; Salinger, 1956: 24).
7. تأکید اخلاقی اندرزنامه‌ها (فوشه‌کور، 1377: 3؛ Crone, 2004: 150; Luce, 2010: 1916). گاه اندرزنامه‌ها را ارتباط متقابل میان اخلاق و قدرت هم تعریف می‌کنند؛ به‌ویژه هنگامی که رقابت رهبران برای رسیدن به قدرت، آن‌هم با تکیه بر قدرت نظامی و اتحادهای سیاسی، باشد (Leder, 2015: 104).
8. حکومت و حاکم مخاطب اصلی و در کانون مباحث اندرزنامه‌ها هستند (زرگری‌نژاد و فروزش، 1386: 111؛ Rosenthal, 1962: 3; Abbés, 2010: 373).
9. اندرزنامه‌ها در زمینه فلسفه و اندیشه سیاسی نیز هستند (فیرحی، 1389: 169؛ Rosenthal, 1962: 3; Dakhliia, 2002: 1194).

10. اندرزنامه‌ها به مادی‌گرایی، آبادانی این جهانی، معیشت و رفاه مردم نیز نظر داشتند (Blaydes et al., 2013: 4; Crone, 2004: 150).
11. در آن‌ها، مصالح و منفعت مردم برتری داشت و بر مردمداری تأکید می‌شد (مشتاق‌مهر، 1385: 87؛ 4: 2013؛ Leder, 2015: 95; Blaydes et al., 2013).
12. ذکر وقایع بدون اشاره به منبع آن؛ لذا به لحاظ تاریخی و استنادی گاه دارای ابهام هستند و گاهی اشتباهات تاریخی در کتاب‌ها وجود دارد (شرفی، 1390: 102؛ Yavari, 2008: 47).
13. امروزه داستان‌ها و حکایات گفته‌شده در اندرزنامه‌ها اهمیت دارد (Marlow, 2009: 523).
14. تنظیم و نگارش اندرزنامه‌ها عمدتاً در دوره‌های بحرانی، تهدید و انتقال تاریخی قدرت بوده است (Black, 2011: 113).
15. تعداد آن‌ها زیاد است (صفا، 1368: 384؛ Jónsson, 2006: 1194; Dakhliya, 2002: 153).
16. تنوع در مفاهیم ارائه‌شده مشاهده می‌شود (میرفخرایی، 1391: 115؛ Marlow, 2009: 531).
17. اندرزنامه‌ها در جهان و در میان همه فرهنگ‌ها فراگیر هستند (شرفی، 1390: 102؛ Darling, 2013: 223; Abbés, 2010: 373).
18. امتداد اندرزنامه‌ها در یک خط تاریخی و یا به عبارتی همیشگی بودن آن از دوران باستان تا دوره مدرن اروپا و حتی تا قرن بیستم در میان مسلمانان (صفا، 1368: 384؛ Blaydes & Chaney, 2013: 16).
19. انتقال تجارب، توصیف و تفسیر دیدگاه شخصی نویسنده (میرفخرایی، 1391: 115). شماری از نویسندگان دیدگاه‌های مشخصی در برخی امور مملکتی داشتند و از شیوه زندگی و عمل سیاسی حکومت آگاه بوده و یا حتی شخصاً حکومت‌داری کرده‌اند (Leder, 1999: 127).
20. اندرزنامه‌ها ریشه‌های باستانی (به‌ویژه سنت ایرانی و یونانی) داشتند (طباطبایی، 1388: 100؛ Genet, 2003: 531-541; Crone, 2004: 150).



21. برای اقناع مخاطبان به‌ویژه از طریق استدلال تلاش می‌کردند (Leder, 1999: 124; Ohlander, 2009: 240).
22. اندرزنامه‌ها صورت داستانی و گاه شعرگونه داشتند و بنابراین همه‌فهم و ساده بودند (ریبیکا، 1383: 4:99; Blaydes et al., 2013: 19; Aigle, 2007: 19).
23. مصلحت‌گرایی نویسندگان و بیان غیرمستقیم و ادبی مطالب به‌دلیل اینکه در خطاب به پادشاه نوشته می‌شدند (Leder, 1999: 121; Black, 2011: 114). به همین دلیل اندرزنامه‌ها به‌صورت ادبی ارائه می‌شدند (Marlow, 2009: 530). یکی از نشانه‌های مصلحت‌اندیشی در اندرزنامه‌ها استفاده مشخص از نقل‌قول افراد قدرتمند و خوش‌نام، بیشتر از گذشته دور، و داستان‌هایی است که در زمان و مکان دور از نویسنده و مخاطب وی قرار گرفته‌اند. بنابراین برای مطالعه اندرزنامه‌ها گاه باید آن‌ها را رمزگشایی کرد (Ferster, 1996: 4 - 8).
24. با مفاهیم سنتی ادبی ارتباط داشتند (طباطبایی، 1388: 4:100; Blaydes et al., 4; Ferguson, 2010: 91).
25. با بسترهای اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و ایدئولوژی جامعه در دوره نگارش آشنا بودند (Yavari, 2008: 47; Leder, 1999: 121).
26. دارای زمینه‌ها و انگیزه‌های دینی بودند (رستم‌وندی، 1388: 447؛ فیرحی، 1389: 169; Marlow, 2009: 528).
27. اندرزنامه‌ها خردگرا بودند (فوشه‌کور، 1377: 2; Marlow, 2009: 525; Leder, 1999: 240; Ohlander, 2009: 144).

2-8. تقسیم‌بندی اندرزنامه‌ها

اندرزنامه‌های سیاسی را برخی در حوزه فلسفه (فیرحی، 1389: 169؛ اللهیاری و دیگران، 1389: 16؛ Jónsson, 2006: 153; Dakhliia, 2002: 1194)، برخی در حوزه اخلاق (تفضلی، 1386: 9؛ فوشه‌کور، 1377: 3؛ ریبیکا، 1383: 99؛ Black, 2011: 114; Ohlander, 2009: 1916; Luce, 2010: 240) و بعضی هم در حوزه ساختارسازی سیاسی، آیین و قانون‌نویسی (شرفی، 1390: 102؛ Salinger, 1956: 24؛ ÓTuathail et al., 2003: 9; Chopin, 1999: 88) قرار داده‌اند.

(Aigle, 2007: 19) قرار داده‌اند. اما مشهورترین دسته‌بندی در حوزه اندیشه سیاسی است (طباطبایی، 1388: 45؛ قادری، 1391: 121؛ Leder, 2015: 95; Yavari, 2008: 48; Darling, 2013: 224; Rosenthal, 1962: 62). محدود کردن ادبیات اندرزی فقط به حوزه‌ای خاص بسیار دشوار است؛ چراکه اندرزنامه‌ها همپوشانی بسیاری با انواعی از آثار دیگر دارند (Marlow, 2009: 526). اندرزنامه‌ها نه تنها در محتوا و درون‌مایه عقلانی با آثار فلسفه سیاسی و اخلاقی تفاوت‌های زیادی دارند، بلکه در اشکال و سبک ادبی هم متفاوت هستند (Marlow, 2009: 525). سیاست‌نامه‌نویسان کمتر به فلسفه تمایل داشتند و حتی مانند آن‌ها سیستماتیک نمی‌اندیشیدند (قاسمی، 1386: 263). تفاوت شیوه‌های فلسفه سیاسی و فقه‌های با اندرزنامه‌نویسی در طرح عملیاتی موضوع و راه‌های رسیدن به حکومت مطلوب از طریق توصیه به امر است. اندرزنامه‌ها مخاطبان بیشتری حداقل در ایران و اسلام داشتند؛ چراکه اساس آن بر تجربه‌گرایی بود و به ریز امور و چگونگی اداره بهتر کشور می‌پرداخت. بنابراین محور اندرزنامه‌نویسی آیین کشورداری و مدیریت سیاسی فضاست تا فلسفه وجودی و چرایی حکومت.

برای شناخت بهتر اندرزنامه‌ها، تاکنون تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از خود آن‌ها صورت گرفته است. یکی از روش‌های دسته‌بندی آن‌ها از نظر صورت و محتواست که شامل اخلاق‌نویسی (گلستان سعدی)، دستورنویسی (سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک) و سیره‌نویسی (کارنامه اردشیر بابکان) است (رجایی، 1373: 22). روش دیگر، تقسیم‌بندی اندرزنامه‌ها براساس جایگاه اجتماعی پدیدآورندگان است (قادری، 1391: 118؛ Leder, 1999: 125) که می‌توان آن‌ها را به شش رده تقسیم کرد:

1. اندرزهای پادشاهان و خلفا به جانشینان و مردم که در منابع، آن‌ها را به‌نام وصیت و عهد بازمی‌شناسانند؛ مانند عهد اردشیر، اندرز انوشیروان، عهد منصور عباسی و اندرز امپراتور کنستانتین هفتم روم.
2. اندرزنامه‌های سیاسی که وزراء، به‌ویژه وزرای ایرانی، نوشته‌اند؛ مانند تنسر، بزرگمهر، خواجه نظام‌الملک طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی.
3. اندرزنامه‌های استانداران و فرمانداران، مانند اندرز طاهر بن حسین، اندرز کی‌کاووس و اندرز سبکتکین.



4. دارندگان مناصب دولتی و اجرایی، مانند عبدالحمیدبن یحیی کاتب، ابن مقفع، الوزير المغربي، هندوشاه نخبجوانی، ماکیاولی و آبن علی در عثمانی.
5. قضات، دانشمندان و علما، مانند غزالی، ماوردی، ابویوسف و طرطوسی.
6. ادیبان، مانند ابن ظفر، ابن عربشاه و سعدی.

3. یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی دقیق‌تر محتوای اندرزنامه‌های سیاسی تاریخ و ادبیات ایران و با توجه به تعداد بسیار آن‌ها، آثار چهار وزیر ایرانی در ادوار مختلف، شامل تنسر، خواجه نظام‌الملک طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، به عنوان محور پژوهش انتخاب شدند. هر چهار نویسنده از اندرزنامه‌نویسان سیاسی برجسته به شمار می‌آیند و هم‌زمان تجربه عملی در سیاست دارند. آثار آن‌ها با توجه به صورت‌های واقعی‌تر برای تطبیق سیاست‌ها و اندیشه‌ها و میزان تحقق این سیاست‌ها به‌ویژه در بستر جغرافیایی و در چهار دوره متفاوت و مهم ایران، قابل توجه و تأمل هستند. با مطالعه این آثار، ابعاد متفاوتی پیش روی قرار گرفت. نامه تنسر به گشنسب متعلق به دوره ساسانی بود. برای مطالعه و فهم بیشتر، آثار دیگر این دوره، همچون *کارنامه اردشیر بابکان* و *عهد اردشیر* نیز مطالعه شد. از خواجه نظام‌الملک طوسی در دوره سلجوقی یک اثر شاخص به نام *سیاست‌نامه* (سیرالملوک) و اثری دیگر به نام *دستورالوزرا* باقی مانده که هر دو واکاوی شدند. خواجه نصیرالدین طوسی از پرکارترین نویسندگان است. در میان آثار پرشمار وی، سیزده اثر با عناوین *اخلاق ناصری*، *اخلاق محتشمی*، *نصیحت‌نامه*، *رسم و آیین پادشاهان قدیم راجع به مالیات و مصارف آن*، *اساس الاقتباس*، *رساله تولا و تبرا*، *تجربید الاعتقاد*، *رساله قواعد العقائد*، *رساله امامت و انیس الطالبین (آداب‌المتعلمین)* و به‌ویژه چهار اثر اول در زمره اندرزنامه‌اند که همگی مطالعه شدند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی آخرین وزیری است که در مقاله به آن پرداخته شد. دو اثر *جامع‌التواریخ* و به‌ویژه *مکاتبات رشیدی* که صورتی کاملاً اندرزنامه‌ای دارند، یادداشت‌برداری شدند.

با توجه به اینکه هدف مقاله، بررسی تحلیلی اندرزنامه‌های سیاسی در ارتباط با مقولهٔ مُلک‌داری (کشورداری در معنای نوین) است و نیز با عنایت به محتوای اندرزنامه‌ها، برای شناخت و مطالعهٔ بهتر، شاخص‌گذاری عملیاتی انجام شد؛ به این ترتیب که با طراحی 41 شاخص، در ابعاد شش‌گانهٔ حیاتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی، مجموع مطالعات و یادداشت‌برداری‌ها از آثار هر چهار نویسنده در زیر هریک از این شاخص‌ها قرار گرفت. ابعاد و شاخص‌ها در داخل جدولی قرار داده شد. فرایند پژوهش متکی بر مطالعات کتابخانه‌ای (اسنادی) بود و داده‌ها براساس متن خوانی و فیش‌برداری گردآوری شد. سپس براساس تحلیل محتوا، تکرار واژگان و استنادات مورد بررسی، اهمیت هر شاخص از نظر هریک از اندرزنامه‌نویسان سنجش شد. با توجه به حجم بالای استنادات و آثار مورد مطالعه، در اینجا فقط نتایج ذکر می‌شود. شاخص‌های طراحی شده 41 مورد بود و در ابعاد شش‌گانه، براساس استنادات به آن‌ها وزن داده شد.

براساس این وزن، رتبهٔ هریک از شاخص‌ها تنها در درون ابعاد شش‌گانه تغییر یافت. برای مثال ابعاد جغرافیایی کشورداری، دارای نُه شاخص است. پراهمیت‌ترین شاخص از نظر هریک از نویسندگان، وزن نُه و کم‌اهمیت‌ترین، وزن یک را خواهد داشت. اگر شاخصی استنادی نداشت، وزن آن صفر خواهد بود. مثال دیگر، بررسی ابعاد اقتصادی کشورداری است. درحالی که آسایش و رفاه جامعه مهم‌ترین اولویت در آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و همچنین اندرزها و دستورهای وی به حکام و پادشاه مغولی است، این شاخص در آثار وی کمترین اهمیت را دارد. در جدولی که در ادامه مشاهده می‌شود، به‌طور کامل ابعاد، شاخص‌ها، تفاوت‌ها و تشابهات و همچنین میانگین عددی هریک از شاخص‌ها آمده است. از 41 شاخص مورد بررسی، 34 شاخص در نامهٔ تنسر، 39 شاخص در آثار خواجه نظام‌الملک طوسی، 40 شاخص در آثار خواجه نصیرالدین طوسی و 40 شاخص در آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی استناددهی شدند. برای فهم بهتر، چند مثال دیگر از جدول می‌توان ارائه کرد. در بررسی ابعاد حیاتی اندرزنامه‌های سیاسی در آثار چهار وزیر، برقراری امنیت عمومی در داخل کشور، مهم‌ترین اولویت خواجه‌نظام‌الملک طوسی در دورهٔ سلجوقی است؛ درحالی که این شاخص برای تنسر در رتبهٔ دوم اهمیت، برای خواجه‌نصیرالدین طوسی در



رتبه سوم و برای خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در رتبه چهارم اهمیت قرار دارد. عدالت و دین مهم‌ترین اولویت مشترک در همه آثار اندرزنامه‌نویسان مورد بررسی است.

ابعاد، شاخص‌ها، تفاوت‌ها و تشابهات میان آثار اندرزنانه‌نویسان مورد مطالعه

شماره اثر	خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی	خواجه نصیرالدین طوسی	خواجه نظام‌الملک طوسی	تنسر	عنوان شاخص‌ها	ش	ابعاد ملک‌داری (کشورداری)
8.75	9	9	8	9	بقای کشور، حکومت و ملت	1	تفاوت‌ها
3.5	5	3	1	5	حفاظت از یک‌پارچگی سرزمینی یا تمامیت ارضی	2	
5.25	8	4	2	7	حفاظت و دفاع از استقلال، موجودیت و ارزش‌ها و رفع تهدیدات خارجی	3	
3.25	4	2	3	4	پاس‌داری از مرزها و پیرامون کشور	4	
7.5	6	7	9	8	برقراری نظم، ثبات و امنیت عمومی در داخل کشور	5	
2.75	3	1	4	3	حفاظت از منافع ملی، شأن و منزلت کشور	6	
4	2	6	6	2	روابط خارجی شایسته با کشورها	7	
3	1	5	5	1	تلاش برای حفظ و پیش‌برد منافع شهروندان و حقوق آن‌ها در داخل و خارج از کشور	8	
7	7	8	7	6	توسعه و تقویت قدرت	9	
6.25	8	3	6	8	حفظ قدرت سیاسی	1	ابعاد سیاسی
5.75	4	8	8	3	اندیشه سیاسی و مقبولیت‌بخشی به حاکمیت سیاسی	2	
4	5	4	3	4	وضع قانون و حاکمیت آن در جامعه	3	



3.5	3	2	7	2	ساختارسازی حکومت مرکزی و تنظیم روابط بهینه میان دستگاه‌های اجرایی و سیاسی	4		
6	7	5	5	7	مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی کارآمد ملی، منطقه‌ای و محلی	5		
5.75	6	7	4	6	نظارت عالی بر تمام امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز دارایی‌های کشور	6		
1.25	2	1	1	1	دیوان‌سالاری آسان، شهروندمحور، پاسخ‌گو، دانش‌بنیان و انعطاف‌پذیر	7		
3.5	1	6	2	5	مشارکت سیاسی، حقوق متقابل مردم و حکومت و انتقال سالم قدرت	8		
5	5	5	5	5	نظام قضایی قابل اعتماد و تضمین عدالت اجتماعی	1		ایجاد اعتماد و انسجام
2	2	2	1	3	تضمین یک‌پارچگی افراد ملت با احترام به وجود تنوع قومی و مذهبی	2		
3	4	3	3	2	توسعه انسانی، مشارکت جامعه، خانواده، مالکیت، زنان، اقلیت‌ها، نهادهای عام‌المنفعه و...	3		
3.75	3	4	4	4	نحوه تعامل با مخالفان و نارضایان داخلی و جذب حداکثری آنان	4		
0.75	1	0	2	0	تنظیم روابط بین اجزای	5		

					ملت (اقوام، ادیان و...) و بخش‌های جغرافیایی کشور با یکدیگر		
4	4	4	4	4	تعمیق، تحکیم، اعتلا، اشاعه و حفاظت از هویت، ارزش‌ها، باورها و فرهنگ عمومی	1	ابعاد فرهنگی
1.75	1	1	2	3	ارتقای اندیشه و تأمین نیازهای روحی و معنوی جامعه	2	
1.5	3	2	0	1	تضمین رضایت مردم از حکومت و تقویت حس وفاداری به کشور	3	
2.5	2	3	3	2	تأمین خیر عمومی و اعتلای بشر	4	
5.75	5	6	6	6	جمع‌آوری مالیات	1	
4	6	2	3	5	آسایش، آموزش، بهداشت و نیازهای مادی جامعه	2	ابعاد اقتصادی
2.25	3	4	2	0	تدوین استراتژی، برنامه‌ریزی، پیشرفت و اهداف کشور	3	
4.25	4	5	5	3	سازمان‌دهی، سامان‌دهی و پیش‌برد جریان‌های کلان اقتصادی و مهار فساد	4	
0.5	1	1	0	0	تمرکززدایی و کاستن از وظایف دولت به‌ویژه با کارآفرینی، بازارمداری و مردم‌سپاری امور	5	
3.25	2	3	4	4	بهره‌گیری از دانش، فناوری و تجربه در مدیریت سیاسی و شناخت دارایی‌های کشور	6	



6.5	3	6	8	9	تقسیمات کشوری	1
8.75	9	9	9	8	آبادانی و پیشرفت	2
2.25	2	4	3	0	مدیریت و حفاظت از بنیادهای زیستی کشور	3
4.5	6	5	7	0	شناخت ظرفیت‌های سرزمینی و بهره‌برداری مطلوب از منابع زیرزمینی و روزمینی	4
6	8	8	2	6	سرزمین، میراث همگانی و برقراری پیوندی عاطفی با آن	5
4.5	5	7	6	0	ایجاد وحدت سرزمینی و نفوذ میان همه مناطق کشور	6
4	4	2	5	5	ایجاد راه‌ها	7
5.25	7	3	4	7	ایجاد ساخت‌ها و چشم‌اندازهای مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (سکونتگاه‌ها، هسته‌های سیاسی، نظامی، مراکز علمی و فرهنگی و...)	8
0.75	1	1	1	0	بهره‌گیری از موقعیت کشور در توسعه مناسبات بین‌المللی	9

4. نتیجه‌گیری

اندرنامه‌های سیاسی صورت ساده و همه‌فهم اندیشه سیاسی هستند. ریشه پیدایش اندرنامه‌های سیاسی وجود شکل سنتی حکومت، یعنی حکومت‌های استبدادی و خودکامه در جهان، است. درواقع اندرنامه‌ها کتاب‌هایی هستند که پادشاه را برای باقی ماندن در قدرت کمک می‌کنند و به‌منظور بیان نظر و تنظیم قوانین و آیین‌های کشورداری و روش‌های مطلوب اداره حکومت از سوی حکومت و مردم پذیرفته شده‌اند. دانش‌محوری و تجربه‌گرایی اندرنامه‌ها ویژگی مهم آن‌هاست که ماهیت سیاسی، اخلاقی، تعلیمی، اجتماعی، فرهنگی و گاه

دینی دارند. این تجربه‌گرایی سبب شده تا محوریت اندرزنامه‌ها بیشتر در زمینه تنظیم کارویژه‌های حکومت و اصول و اهداف مدیریت سیاسی فضا و ارائه آیین کشورداری مطلوب و ایدئال باشد. توسعه جهانی این متون گواه این مطلب است. مشروعیت‌بخشی به دستگاه سیاسی، تأکید بر قدرت سیاسی و فقط درخواست برای اصلاح وضع سیاسی موجود بدون هیچ‌گونه تغییری در آن، ترسیم الگوی حکومت و پادشاه آرمانی و بیان دغدغه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و... نویسندگان و دستگاه حاکم در دوره نگارش اندرزنامه و ارائه راهکار برای حل مسائل به‌ویژه در زمینه آبادانی این جهانی و رفاه مادی، از اهداف مهم دیگری است که بر عملیاتی بودن اندرزنامه‌ها تأکید می‌کند.

با بررسی آثار چهار وزیر اندرزنامه‌نویس، نکته اساسی این است که تشابهات میان آثار فوق بیشتر از تفاوت‌های میان آن‌هاست؛ به‌ویژه آنکه تقریباً درباره همه شاخص‌های طرح‌شده، دارای رأی و نظر هستند. تفاوت‌های میان اندرزنامه‌ها فقط در جزئیات، اولویت‌ها و در کیفیت و کمیت ارائه‌شده درباره شاخص‌ها قابل ردیابی است.

هدف غایی این آثار برقراری نظم و ثبات منطقی است. برای این منظور نخستین گام وجود حکومتی عادل، آگاه، متدین و فره‌مند است. گرایش همه اندرزنامه‌ها به وجود حکومت مرکزی قدرتمند و متمرکز است که جایگزین آن بی‌نظمی خواهد بود. مورد دیگر عملیاتی‌اندیشی و ارائه طرح‌های کاربردی به‌ویژه درباره توسعه و آبادانی کشور است که جلوه قدرت و فره‌مندی حکومت تلقی می‌شود. عدالت، تنها ابزار سنجش صلاحیت حکومت است که هیچ جایگزینی نخواهد داشت. مهم‌ترین نقش مردم همراهی و حمایت از حکومت است. اندرزنامه‌ها راهکار انقلابی ندارند و اصلاحگری نرم در زیر سایه حکومت (حتی اگر مغولان باشند) استراتژی کلی آنان است. تشابهات فراوان اندرزنامه‌ها در ارائه دستورها و توصیه‌های عملی حیرت‌انگیز است. تفاوت آن‌ها در امور جزئی و بیشتر به نحوه نگارش و مثال‌های ارائه‌شده است. ابعاد سیاسی اندرزنامه‌ها از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قوی‌تر هستند و این نشان می‌دهد حکومت و بقای آن تا چه اندازه برای اندرزنامه‌نویسان اهمیت داشته است.

پی‌نوشت‌ها

1. advice for kings
2. advice literature
3. conseils donnés au prince



4. Stefan Leder
5. Denise Aigle
6. Anne K. S. Lambton
7. Charles-Henri de fouchécour
8. Louise Marlow
9. Maria Subtelny
10. Carole Hillenbrand
11. Meysami
12. Aziz al-Azmeh
13. Douglas Howard
14. Linda Darling
15. Patricia Crone
16. Antony Black
17. Richter
18. Bagley
19. Pierre Hadot

منابع

- اللهیاری، فریدون، اصغر فروغی ابری و محسن مرسل‌پور (1389). «بازتاب کارکردهای نهاد شاهی در نامه طاهر به عبدالله». *فصلنامه گنجینه اسناد*. س 20. دفتر چهارم.
- امانی چاکلی، بهرام و رقیه منافی (1394). «مقایسه جنبه‌های مختلف اندرزنامه اردشیر ساسانی و وصیت‌نامه منصور عباسی». *دوفصلنامه علمی - ترویجی سخن تاریخ*. س 9. ش 21.
- تاجیک‌نشاطیه، نرگس (1394). «خوانش تفسیری اخلاق محسنی به مثابه اندرزنامه سیاسی عصر تیموری». *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. د 7. ش 3. صص 95 - 125.
- تفضلی، احمد (1386). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- تکمیل‌همایون، ناصر (1383). «اندرزنامه‌نویسی ایرانی». *نشریه حافظ*. ش 4. صص 41 - 47.
- رجایی، فرهنگ (1372). *تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان*. تهران: قومس.
- _____ (1373). *معرکه جهان‌بینی‌ها*. تهران: احیای کتاب.
- رستم‌وندی، تقی (1388). *اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی*. تهران: امیرکبیر.

- روزنتال، اروین آی.جی. (1388). *اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه*. ترجمه علی اردستانی. تهران: قومس.
- ریپیکا، یان (1383). *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه ابوالقاسم سری. ج 1. تهران: سخن.
- زرگری نژاد، غلامحسین و سینا فروزش (1387). «نقش اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملک طوسی در تمرکز قدرت ترکان سلجوقی». *مجله مسکویه*. س 2. ش 8. صص 111 - 156.
- شرفی، محبوبه (1393). «اندرزنامه نویسی سیاسی در عصر ایلخانی». *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*. س 3. ش 10. صص 93 - 114.
- طباطبایی، سیدجواد (1383). *زوال اندیشه سیاسی در ایران: گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران*. تهران: کویر.
- _____ (1388). *درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*. تهران: کویر.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (1389). *سیاست‌نامه*. به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (1390). *دستورالوزرا*. برگرفته از پایان‌نامه با عنوان «تصحیح انتقادی کتاب دستورالوزرا یا وصایای خواجه نظام‌الملک طوسی». محمدرضا ملک‌ثابت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (1368). «اندرز». *نشریه ایران‌نامه*. س 7. ش 28.
- *عهداردشیر* (1348). پژوهنده عربی احسان عباس. ترجمه محمدعلی امام شوشتری. تهران: انجمن آثار ملی.
- فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین (2536). *وقف‌نامه ربع‌رشیدی*. به‌کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ (1338). *جامع‌التواریخ*، دو جلد، به کوشش بهمن کریمی. تهران: اقبال.
- _____ (1945). *مکاتبات رشیدی، جمع مکاتبات از سوی مولانان محمد ابرقوهی*. به سعی و اهتمام و تصحیح محمد شفیع. پنجاب پاکستان: سلسله نشریات کلیه پنجاب.



- فوشه کور، شارل هانری (1377). *اخلاقیات*. ترجمه محمدعلی امیر معزی و عبدالمحمد روحبخشان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فیرحی، داوود (1378). *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*. تهران: نشر نی.
- _____ (1389). «خواجه نظام‌الملک و سیاست‌نامه‌نویسی در تمدن اسلامی». *مهرنامه (ماهنامه علوم انسانی)*. س 1. ش 6. صص 168-169.
- قادری، حاتم (1391). *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*. تهران: سمت.
- قاسمی، محمدعلی (1386). «قدرت و امنیت در سنت سیاست‌نامه‌نویسی، مطالعه سیرالملوک خواجه نظام‌الملک». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. س 10. ش 2 (36). صص 261-278.
- *کارنامه اردشیر بابکان* (1385). از متن پهلوی. ترجمه و تصحیح قاسم هاشمی نژاد. تهران: نشر مرکز.
- لمبتون، آن.کی.اس. (1374). *دولت و حکومت در اسلام*. ترجمه و تحقیق سیدعباس صالحی و محمد مهدی فقیهی. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- مرسلپور، محسن، حسین شیرمحمدی و مرضیه شریفی (1391). «بازیابی اندرزهای اردشیر ساسانی در تاریخ فخری». *مجله تاریخ در آیین پژوهش*. س 9. ش 1. صص 89-100.
- مشتاق‌مهر، رحمان (1385). «حکمرانی آرمانی ایرانیان در اندرزنامه‌های جاویدان خرد». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. س 6. ش 6. صص 85-98.
- مقدم، سعید (1393). «بررسی روش‌شناسی بنیادین سیاست‌نامه‌نویسی در دوره میانه». *مجله معرفت فرهنگی و اجتماعی*. س 5. ش 4. صص 25-44.
- میرفخرایی، مهشید (1391). «بازتاب اندرزنامه‌های پهلوی در ادب و حکمت ایران اسلامی». *کهن‌نامه ادب پارسی*. س 3. ش 1. صص 107-119.
- *نامه تنسر به گشنسب* (1354). به تصحیح مجتبی مینوی. گردآورنده تعلیقات مجتبی مینوی و اسماعیل رضوانی. تهران: خوارزمی.
- نصیرالدین طوسی، خواجه محمدبن محمد (1335). *رساله امامت*. به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.

- _____ (1339). اخلاق محتشمی. با دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (1339). رساله تولا و تبر. برگرفته از کتاب اخلاق محتشمی. با دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (1363). نصیحت‌نامه. برگرفته از کتاب سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی. محمد مدرسی. صص 62 - 64. تهران: خوارزمی.
- _____ (1367). اساس الاقتباس. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (1370). انیس الطالبین (آداب المتعلمین). ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی. قم: حاذق.
- _____ (1390). رسم و آیین پادشاهان قدیم راجع به مالیات و مصارف آن. برگرفته از کتاب مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین طوسی. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. صص 28 - 35. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (1391). اخلاق ناصری. به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
- _____ (1407). تجرید الاعتقاد. محقق محمدجواد حسینی جلالی. تهران: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی (به عربی).
- _____ (1413). اخلاق ناصری. تهران: علمیه اسلامیة.
- _____ (1413). رساله قواعد العفانده. محقق علی حسن خازم. بیروت: دارالغربه (به عربی).
- Abbés, Makram (2010). *La pensée de la paix dans les miroirs des princes arabes. Dans le livre la Civilisation Arabo- Musulmane au miroir de L'Universel*. Paris: Mangaïa.
- Aigle, Denise (2007). "La conception du pouvoir dans l'islam, Miroirs des princes persans ET theories sunnites (XIe-XIVe si_eclles)". *Perspectives Medievales*. Vol. 31. <https://halshs.archives-ouvertes.fr/halshs-00447399>.
- Black, Antony (2011). *The History of Islamic Political thought, from the prophet to the present*. 2nd Ed. Edinburgh University Press Ltd.
- Blaydes, Lisa, Justin Grimmer & Alison McQueen (2013). "Mirrors for Princes and Sultans: Advice on the Art of Governance in the Medieval Christian and



- Islamic Worlds". Presented at *the annual meeting of the American Political Science Association*, Chicago IL. <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/versions?>
- Blyades, Lisa & Eric Chaney (2013). "The Feudal Revolution and Europe's Rise: Political Divergence of the Christian West and the Muslim World before 1500 CE". *American Political Science Review*. Vol. 107. Issue 1.
 - Bosworth, C.E. (1970). "An Early Arabic Mirror for Princes: Ṭāhir Dhū l-Yamīnain's Epistle to His Son Abdullah (206/821)". *Journal of Near Eastern Studies*. Vol. 29. No. 1. Published by: University of Chicago Press.
 - Chopin, Myriam (1999). "La prudence dans les miroir aux prince". *Chronicles Italiennes*. No. 60.
 - Crone, Patricia (2004). *Medieval Islamic Political Thought*. Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.
 - Dakhliya, Jocelyne (2002). "Les Miroirs des princes islamiques: une modernité sourde?" in *Annales. Histoire. Sciences Sociales*. 57^e année. No. 5.
 - Darling, Linda T. (2013). "Mirrors for Princes in Europe and the Middle East :A Case of Historiographical Incommensurability, In East meets West in the middle ages and early modern times". Ed. by Classen, Albrecht, the University of Arizona, Tucson, USA. https://www.academia.edu/4117152/Mirrors_for_Princes_in_Europe_and_the_Middle_East_A_Case_of_Historiographical_Incommensurability?auto=download 2016/8/1 .
 - Ferguson, Heather (2010). "Genres of Power: Constructing a Discourse of Decline in Ottoman Nasihatname". *Osmanli Arastirmalari*. Sayı xxxv.
 - Ferster, Judith (1996). *Fictions of Advice: The Literature and Politics of Counsel in Late Medieval England*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press.
 - Fodor, Pál (1986). "State and society, crisis and reform in 15 - 17th Century Ottoman Mirror for princes". *Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae*. Vol. 40. No. 2/3.
 - Genet, Jean - Philippe (2003). "L'évolution du genre des Miroirs des princes en Occident au Moyen Âge". *Religion et mentalités au Moyen Âge: mélanges en l'honneur d'Hervé Martin*, sous la dir. de Sophie Cassagnes-Brouquet, Amaury Chauou, Daniel Pichot, Rennes: Presses universitaires de Rennes.
 - Jónsson, Einar Már (2006). "Les miroirs aux princes sont-ils UN genre littéraire?". *Médiévales*. No. 51. Automne. Presses universitaires de Vincennes.
 - Leder, Stefan (1999). "Aspekte arabischer und persischer Fürstenpiegel" in *Erlesenes Sonderheft der Halleschen Beiträge zur Orienwissenschaft*. Kongresses der Union Europeenne d'Arabisants ET Islamisants. Halle: Inst. Fur Orientalistik.
 - Leder, Stefan (2015). *Sultanic Rule in the Mirror of Medieval Political Literature*. Nequin Yavari, Regula Forster (Eds.). *Global Medieval: Mirrors for princes revisited*, (Harvard: Harvard University Press (Ilex Foundation)). http://www.orientinstitut.org/fileadmin/user_upload/Leder/Leder_Sultanic_Rule.pdf. 2016/8/1 .

- Luce, Mark David (2010). "Mirrors for Princes Islamic". In *Handbook of medieval studies: terms, methods, trends*. Edited by Albrecht Classen. Berlin: Walter de Gruyter GmbH & Co. KG.
- Marlow, L. (2009). "Surveying Recent Literature on the Arabic and Persian Mirrors for Princes Genre. History Compass". *Journal Compilation*. Blackwell Publishing Ltd.
- Ohlander, Erik (2009). *Enacting Justice, Ensuring Salvation, The Trope of the 'Just Ruler' in Some Medieval Islamic Mirrors for Princes*. the Muslim world, Hartford Seminary. Published by Blackwell Publishing Ltd. Oxford: Malden.
- ÓTuathail, Gearóid, Simon Dalby & Paul Routledge (2003). *The Geopolitics Reader*. London and New York: Routledge.
- Salinger, Gerard (1956). "A Muslim Mirror for Princes". *The Muslim World Journal*. Vol. 46. Issue 1. January. Ecole Libre des Hautes Etudes, New York.
- Shaked, Shaul & Zabihallah Safa (2011). "Andarz". *Encyclopaedia Iranica*. Online Edition. Vol. II.
- Yavari, Neguin (2008). "Mirrors for Princes or a Hall of Mirrors? Nizām al-Mulk's Siyar al-mulūk, Reconsidered. Al-Masaq". *Journal of the Medieval Mediterranean*. No. 20. Vol. 1.